

مقاله‌ی مروری

نقش جنگ‌های صلیبی در انتقال طب اسلامی ایرانی به اروپا

محمود اکبری^{۱*}، محمدنبی سلیم^۲

۱. مربی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی مازندران، ساری، ایران.

۲. استادیار، گروه تاریخ، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

چکیده

* نویسنده‌ی طرف مکاتبه:

محمود اکبری

آدرس: محمودآباد، خیابان امام، نسیم ۵۶، پلاک ۳

کد پستی: ۴۶۳۱۸۱۸۶۴۳

تلفن: ۰۹۱۹۲۰۱۸۶۶۷

Email: Akbari_mahmood22@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۰۸/۱۰

یکی از رخدادهای مهم و اثرگذار در جریان تعامل بین تمدن اسلامی و غرب، جنگ‌های صلیبی بود که نزدیک به دو قرن، ادامه یافت و دامنه‌ی آن، از اروپا تا شام و مصر را در بر داشت. بروز این نبردها که به دلیل شور مذهبی اروپاییان برای تصرف خاستگاه مسیح (ع) و نیز، سرازیر شدن جمعیت مازاد اروپا به شرق بود، به‌طور مستقیم، به انتقال علوم و فنون بین غرب و شرق یاری رساند. پژوهش حاضر، با تکیه بر روش تحقیق توصیفی تحلیلی و به مدد مطالعات کتابخانه‌ای، بر آن است تا به بررسی نقش جنگ‌های صلیبی در انتقال دانش پزشکی از حوزه‌ی تمدن اسلامی به اروپا بپردازد؛ از این رو، در مراجعه و استناد به متون، صداقت و امانت‌داری، رعایت شده است. نتیجه‌ی تحقیق، گواه آن است که در اثنای کارزار صلیبی، اروپاییان، با مشاهده‌ی پیشرفت‌های علمی مسلمانان، بر آن شدند تا آثار اطباء مسلمان را ترجمه و به اروپا، منتقل کنند. این امر، موجب پیشرفت دانش پزشکی و توسعه‌ی امر بهداشت در اروپا، مقارن با عصر نوزایی، شد؛ از این رو، یکی از مهم‌ترین پیامدهای کارزار مسلمانان و صلیبیان، تسهیل روند انتقال مبانی فرهنگی و تمدنی جهان اسلام، از جمله اندوخته‌های طب ایرانی اسلامی، به حوزه‌ی تمدنی غرب بوده است.

واژگان کلیدی: اروپا، تمدن اسلامی، جنگ‌های صلیبی، طب ایرانی اسلامی.

مقدمه

طی دو سده جنگ بین مسیحیان و مسلمانان در متصرفات اسلامی، از جمله شامات و شمال آفریقا، صلیبیان، به جز درگیری‌های متعدد، به دلیل تعاملات گسترده با مسلمانان، دستاوردهای تمدنی آنان را نیز، در زمینه‌های گوناگون، به‌ویژه حوزه‌ی پزشکی، به دست آوردند. دانشمندان و مترجمان اروپایی، با ترجمه‌ی آثار طبی مسلمانان، توانستند فرهنگ و علوم اروپایی آن روزگار را دگرگون کنند.

هدف پژوهش پیش رو، تبیین این مسأله است که جنگ‌های صلیبی، در انتقال طب به اروپا، تا چه حد، مؤثر بوده و آثار آن، در شکوفایی دانش پزشکی، کوتاه‌مدت بوده است یا تدریجی؟ با در نظر گرفتن این پرسش، می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که قبل از شکل‌گیری جنگ‌های صلیبی، دو منطقه‌ی اندلس و سیسیل، در برگردان یافته‌ها و افزوده‌های طبی مسلمانان، از عربی به زبان‌های لاتین، نقشی مهم داشتند؛ اما این مواجهه‌ی مستقیم نظامی بود که باعث آشنایی اروپای قرون وسطی با دستاوردهای طبی مسلمانان شد و در تسریع انتقال تازه‌های دانش پزشکی به اروپا اثر گذاشت؛ از جمله، در کوتاه‌مدت، به رشد ترجمه‌ی متون اسلامی، توسعه‌ی امر دانشجویی و تأسیس مراکز علمی و در نتیجه، اعتلای فکری و اجتماعی اروپا منجر شد و به تدریج، جهان غرب را از حوزه‌ی فرهنگ متصلب قرون وسطایی رهانید.

با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی بدین‌گونه و به‌صورت جزئی، درباره‌ی نقش جنگ‌های صلیبی در انتقال طب اسلامی به غرب انجام نگرفته، ضرورت پرداختن به موضوع، امری روشن و آشکار است؛ بنابراین، سعی می‌شود برای تبیین کامل موضوع، با بهره‌گیری از مستندات تاریخی، فرضیه‌ی تحقیق اثبات شود.

علل بروز جنگ‌های صلیبی

پیش از ورود به بحث اصلی، لازم است علل شکل‌گیری جنگ‌های صلیبی و پیامد آن، به اختصار، بررسی شود. جنگ‌های صلیبی، رشته‌ای از لشکرکشی‌های گسترده‌ی مسیحیان اروپا علیه مسلمانان بود که در سال ۱۰۹۶ میلادی، با فرمان پاپ اوربان دوم^۱، آغاز شد و دو قرن، به طول انجامید (۱). هدف اصلی صلیبیان از این لشکرکشی‌ها، گرفتن زادگاه و مزار عیسی مسیح (ع) از دست مسلمانان بود. از آنجاکه هرکس عازم این جنگ‌ها می‌شد، صلیبی از پارچه‌ی سرخ را بر شانه‌ی راستش می‌دوخت، این جنگ‌ها با نام «جنگ‌های صلیبی» معروف شد.

البته، هدف بحث، بررسی تاریخ جنگ‌های صلیبی و برخوردهای بین دو طرف، طی دو قرن نیست؛ بلکه هدف اصلی، آشنایی خوانندگان، با اهمیت و کارکرد جنگ‌های مذکور، در ارتباط با محور اصلی تحقیق است. با این اوصاف، به‌طور مختصر، به دلایل شکل‌گیری جنگ‌های صلیبی می‌پردازیم:

الف. مهم‌ترین علل شکل‌گیری جنگ‌های صلیبی، انگیزه‌ی دینی و مذهبی، یعنی تصرف بیت‌المقدس توسط مسیحیان، بود. رهبران و متولیان کلیسا، به‌خصوص پاپ اوربان دوم، با برانگیختن احساسات مذهبی صلیبیان، نقشی بسیار مؤثر در شعله‌ور ساختن آتش جنگ ایفا کردند.

ب. جلوگیری از پیشرفت ترکمانان به سمت غرب، یکی از اهداف اروپاییان بود؛ به‌ویژه زمانی که شاه سلجوقی موفق شد در نبرد ملازگرد، در سال ۱۰۷۱م، امپراتور روم، رومانوس دیوجانوس^۲ را اسیر و بخش‌هایی زیاد از اراضی امپراتوری

1. Urban II
2. Romanos Diogenes

جنبه‌ی غیرسیاسی، منجر به خروج اروپا از قرون وسطی و ورود به دوره‌ی نوزایی علمی و فرهنگی یا همان رنسانس شد (۸).

پزشکی در اروپای قرون وسطی

مورخان، ابتدای دوره‌ی زمانی موسوم به «قرون وسطی» را مقارن با انقراض امپراتوری روم غربی و استیلای قبایل بدوی بر اروپای غربی و پایان آن را با فتح قسطنطنیه توسط ترکان عثمانی، در ۱۴۵۲م، معرفی می‌کنند. سیطره‌ی اقوام ژرمن (۹) بر اروپای غربی، آغاز دوران انحطاط علمی و فرهنگی این سرزمین بود؛ به‌ویژه که ژرمن‌ها با پذیرش آیین رهبانیت مسیحی که صورت تحریف‌شده‌ی تعالیم مسیح(ع) بود، راه هرگونه پیشرفت و توسعه‌ی علمی و فکری را مسدود کردند (۱۰).

به گواهی تاریخ، مسیحیت، در اوایل قرن پنجم میلادی، به مذهب رسمی امپراتوری روم تبدیل شد و کلیسا قدرت واقعی را در همه‌ی امور، از جمله پزشکی، در دست گرفت؛ به‌طوری‌که در سده‌های هشتم تا دهم میلادی، بیشتر پزشکان، یا راهب بودند یا به کلیسا وابستگی داشتند. در این دوران، عقیده بر این بود که بیماری، مجازات الهی است که گریبان گناهکاران را می‌گیرد؛ هرچند که تعالیم مسیحیت، کمک به بیماران را عملی نیکو می‌دانست؛ برای نمونه، پاپ بندیکت سوم، به راهبان دستور داد به آموختن پزشکی نپردازند؛ زیرا به‌زعم وی، تنها، خداوند می‌تواند بیماری‌ها را شفا دهد. نتیجه‌ی این گونه تفکر، آن بود که بخشی زیاد از دانش پزشکی یونان و روم باستان، از دید دانشوران اروپایی دور مانده بود؛ درحالی‌که مسلمانان، یافته‌های طبی ملل دیگر را حفظ و آن را به دیگران منتقل کردند (۱۱)؛ البته، نباید از یاد

روم شرقی را ضمیمه‌ی متصرفات اسلام کند. ج. کمک‌خواستن امپراتور روم شرقی، الکسیوس^۱، از پاپ‌اوربان دوم، به خاطر بازپس‌گیری متصرفات فتح‌شده توسط سلاجقه، دلیل دیگر بود (۲).

د. رفتار سخت‌گیرانه‌ی حاکم بامرالله، خلیفه‌ی فاطمی، با مسیحیان، طی سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۱۵م، در بیت‌المقدس نیز، از دلایل دیگر شروع این جنگ به شمار می‌رود (۳).

ه. فتودال‌های مسیحی، با هدف تضعیف حکومت مرکزی در اروپا، به‌دنبال تصاحب اراضی جدید و گسترش منابع مالی خود بودند (۴).

ز. بازرگانانی که در بندرهای «ونیز»^۲ و «جنوا»^۳ (۵) مشغول تجارت بودند، می‌دانستند با شرکت در این نبردها، راه‌هایی جدید در تجارت با شرق برای آن‌ها به وجود خواهد آمد (۶).

ح. اوضاع آشفته‌ی اروپا، به‌خصوص قوانین دست‌وپاگیر اجتماعی، نظام ارباب‌رعیتی، بروز قحطی و امراض عمومی و سلطه‌ی کلیسا بر امور جاری، موجب شد تا مهاجران اروپایی به سوی شرق سرازیر شوند؛ در واقع، مسیحیان با حضور در این جنگ‌ها، از لحاظ مذهبی، وظیفه‌ی شرعی دفاع از کیان مسیحیت را به جا آوردند و خود را به سرزمین‌های مقدس رساندند (۷).

در حقیقت، جنگ‌های صلیبی، نتیجه‌ی تحولات داخلی اروپا و تلاش روحانیان مسیحی و اشراف جاه‌طلبی بود که جمعیت روبه‌افزایش اروپا را به سودای غنائم و سکونت در شرق، به خارج از اروپا کشاندند. صرف‌نظر از اینکه جنگ‌های صلیبی، بسیار پرهزینه و پرتلفات بود، نتایج و پیامدهای آن از

1. Alexios
2. Venice
3. Geneoa

4. Benedict III

اسکندر تراپلسی، پولس^۵ و دیگر نامداران پزشکی باستان، با ترجمه‌ی حنین بن اسحاق و دستیاران و شاگردانش، تحقق یافت و بر تفکر پزشکی اسلامی اثری به‌سزا گذاشت (۱۳).

همچنین، حجمی عظیم از نوشته‌های طبی پزشکان مسلمان و غیرمسلمان فعال در حوزه‌ی تمدن اسلامی، با انواع شاخه‌های علمی و دربردارنده‌ی داده‌هایی مرکب از توضیح، تفسیر، تکمیل و تحشیه، دانش پزشکی مسلمانان را پربار و کارآمد کرد؛ ازجمله، شماری از آثار جامع و دانشنامه‌ای که اثری ژرف بر پزشکی مغرب‌زمین گذاشت؛ نظیر الحاوی از زکریای رازی، کامل الصناعه الطبیعه از علی بن عباس مجوس اهوازی و قانون فی الطب از ابن سینا که همراه با ترجمه‌ی شماری دیگر از آثار برجسته و فاخر، طی دوره‌ی متأخر قرون میانه، به توسعه‌ی دانش پزشکی اروپا جهت‌ی تازه داد (۱۴).

نکته‌ی شایسته‌ی توجه در نهضت ترجمه، تلاش مترجمان هر قوم در ترجمه‌ی آثار تمدن خود به زبان عربی است؛ بدین معنی که هر یک از اقوام مختلف، سعی می‌کردند آموزه‌های علمی ملل خویش را در میان مسلمانان رواج دهند. از آنجاکه ادبیات سریانی، حلقه‌ی واسط بین زبان یونانی و عربی بود، بیشتر مترجمان، سریانی و نسطوری مذهب بودند و اکثر آثار علمی یونان را ابتدا، به زبان سریانی، ترجمه و پس از آن، به عربی برگرداندند (۱۵).

از میان این مترجمان، می‌توان از آل‌بختیشوع، نوادگان حنین بن اسحاق، خاندان ماسرجویه، ثابت بن قره حرّانی، یحیی بن بطریق و پزشک خلیفه‌ی عباسی، سلمویه بن بنان، نام برد (۱۶-۱۸).

گفتنی است در کنار پزشکان ایرانی و سریانی، شماری از دانشمندان هندی نیز، در دربار خلفای عباسی حضور داشتند.

برد که بر خلاف نظر مورخان اروپا، دنیای اسلام، تنها، نقش واسطه‌ی انتقال علوم یونان به اروپا را نداشت؛ بلکه خود نیز، بر محتوا و غنای آن افزود. اگر جهان اسلام وارث یونانیان و مشرق‌زمین کهن بود، اروپا نیز، وارث تمدن اسلام و دنیای قدیم شد (۱۲).

پیشرفت علم طب در تمدن اسلامی

تا پیش از بروز جنگ‌های صلیبی و فرایند انتقال علم پزشکی، دانشوران مسلمان، در اثنای عصر موسوم به «نهضت ترجمه»، از طریق بازگردان متون کهن حکمی و پزشکی از زبان‌های یونانی و سریانی به عربی، موفق شدند دانش پزشکی را به سطحی از اعتلا و پیشرفت بکشانند که حاصل تجمیع معارف کهن و افزوده‌های اطباء مسلمان بود. این امر به دست توانای مترجمانی صورت گرفت که در خدمت حکومت اسلامی بودند؛ خواه مسلمان و خواه مسیحی و یهودی.

در دوره‌ی نخست خلافت عباسی، به دلیل توجه خلفا به علم‌آموزی، تعاملات علمی بین دانشمندان اهل کتاب، حضور دانشوران ایرانی در عرصه‌های فرهنگی و موج ترجمه‌ی متون کهن به زبان عربی، تمدن اسلامی، عصر شکوفایی خود را تجربه کرد و برپایی مجالس بحث و مناظرات علمی و کنکاش در علوم و معارف ملل دیگر، به حوزه‌های مختلف علمی، جانی تازه داد. در این میان، رشد طب اسلامی، با حمایت خلفا، وزرا، فرمانروایان و ثروتمندان، آغاز شد؛ بزرگان جامعه، مترجمان را به بازگردان آثار پزشکان یونانی، هندی و ایرانی به زبان عربی، ترغیب کردند. نخستین آگاهی از میراث جالینوس^۱، بقراط^۲، اریباسیوس^۳ و آثار آتیتوس^۴ از

1. Galen
2. Hippocrates
3. Aribasius
4. Atitos of Aegean

5. Paul

تاریخ علم، جرج سارتون^۱، یکی از سه پزشک بزرگ و مشهور خلافت شرقی بود که خدمتی به‌سزا به طب اسلامی و دنیای پزشکی کرد (۲۶). اهوازی، در باب دوم از مقاله‌ی نخست کتابش، به سوگندنامه‌ی بقراط و دیگر پزشکان متقدم پرداخته و از این‌رو، این باب، به «پندنامه‌ی اهوازی» مشهور است؛ اما نمی‌توان تاریخ طب اسلامی را بدون یادکرد از حکیم ابوعلی سینا، مشهور به پدر علم مدرن پزشکی، مرور کرد؛ طبیبی که از بین حدود ۴۵۰ اثر نوشتاری‌اش، کتاب قانون، به‌عنوان دایره‌المعارف علم پزشکی، زبانزد است (۲۶) یا حکیم سیداسماعیل جرجانی، پزشک ناموری که در اولین سال حضورش در خوارزم، تدوین کتاب عظیم خود، ذخیره‌ی خوارزمشاهی را مشتمل بر ۷۵۰ هزار اصطلاح مرتبط با علم پزشکی به اتمام رساند. اهمیت این اثر بدان خاطر است که در پس تدوین آثاری چون: فردوس الحکمه، کامل الصناعه، الحاوی و قانون به زبان عربی، به زبان فارسی نوشته شد و توانست خوانندگانی بیشتر را به خود جلب کند (۲۷)؛ چراکه ذخیره‌ی خوارزمشاهی، با اشتغال بر دانش اطباء سلف، به شیوه‌ی نگارش یافت که نیازهای طبی و بهداشتی فارسی‌زبانان را در روزگار خود تأمین کند.

بدین طریق، بعد از دوره‌ی ترجمه و تألیف آثار پزشکی ایرانی‌اسلامی، مرحله‌ی دوم، یعنی ترجمه‌ی دستاوردها و ملحقات پزشکان حوزه‌ی تمدن اسلامی، به مدد حوزه‌های ترجمانی در اندلس و سیسیل و از طریق جنگ‌های صلیبی و انتقال این دانش به اروپا، آغاز شد.

نقش جنگ‌های صلیبی در انتقال دانش پزشکی

در نفوذ و انتقال علم طب به اروپا، دو منطقه‌ی اندلس و سیسیل، سهمی بسزا داشتند. قبل از شروع جنگ‌های صلیبی،

آنان، علاوه بر تخصص در امر طبابت، در ترجمه‌ی آثار هندی و سانسکریت به عربی هم، فعالانه، شرکت می‌کردند؛ از جمله، صلاح بهله هندی (۱۹) یا کمیکه هندو که به دستور وزیر ایرانی، یحیی برمکی (۲۰) به عراق فراخوانده شد (۲۱) و ابن‌دهن، پزشک دربار و سرپرست بیمارستان برمکیان (۲۲). زمانی که شیوه‌های طب ایرانی و سریانی، در معالجات، مؤثر واقع نمی‌شد، خلفا ترجیح دادند تا با پزشکان هندی مشورت کنند؛ زیرا طب هندی، شیوه‌هایی خاص و متفاوت از طب یونانی و فارسی داشت (۲۳).

در این میان، سهم پزشکان ایرانی در توسعه‌ی دانش طب، بسیار عظیم و درخور بوده است؛ از جمله‌ی این پزشکان، علی‌بن‌ربیع طبری، پزشک و داروشناس سده‌ی سوم و نویسنده‌ی فردوس الحکمه است. نویسنده در این کتاب که دایره‌المعارفی طبی است، از نظرات بقراط، جالینوس، ارسطو، ابن‌ماسویه، حنین‌بن‌اسحاق و رساله‌های هندی و دیگر آثار گذشتگان، بهره‌ای وافر برده است (۲۴)؛ همچنین، می‌توان از افرادی مانند یعقوب‌بن‌اسحاق‌بن‌صبحا کندی، از پزشکان قرن سوم که از او چهل اثر در پزشکی شناخته شده (۱۸) و محمدبن‌زکریای رازی، نخستین طبیبی که علل روانی و روحی را در معالجه و طبابت درک کرد و کتابی به نام الطب الروحانی تألیف کرد، نام برد (۱۸). اثر معروف رازی با نام الحاوی، چندین قرن، جزء منابع درسی دانشگاه‌های بزرگ اروپا بود. اگر بدانیم که رساله‌ی آبله و سرخک رازی، از سال ۱۴۹۸ تا ۱۶۶۶م، چهل بار، به زبان لاتین چاپ شده است، میزان نفوذ و شهرت آن را درک خواهیم کرد (۲۵).

پزشک نام‌دار دیگر، علی‌بن‌عباس مجوسی اهوازی، صاحب کامل الصناعه الطیبیه است که به تعبیر نویسنده‌ی

1. George Sarton

پزشکی مسلمانان آشنا شوند. بهترین شاهد بر صحت این مدعا، آن است که مسیحیان، کتاب *الکامل الصناعه الطبيه*، نوشته‌ی مجوسی اهوازی را به اروپا بردند و به زبان لاتین، ترجمه کردند (۲۹). این اقدام نشانگر آن است که صلیبی‌ها، در ایام اقامت در اراضی اسلامی، علاوه بر پرداختن به امور نظامی و تعامل با عامه‌ی مردم، با گروهی از فرهیختگان و اطبای مسلمان نیز، در ارتباط بودند. کتاب علی‌بن‌عباس مجوسی اهوازی که اروپاییان او را با نام «هالی‌عباس»^۱ شناختند، در نزد فرنگیان بدان خاطر اشتهار داشت که می‌گفتند هر آنچه را که متعلم طبابت نیاز دارد، شامل می‌شود (۳۰). از آنجا که مجوسی، در این کتاب، همه‌ی اطلاعات پزشکی موجود تا زمان خود، یعنی قرن دهم میلادی را با نظم و ترتیب منطقی، خلاصه کرده و تجربیات پزشکی‌اش را نیز، به آن افزوده بود، تازمانی که کتاب قانون ابن‌سینا ترجمه نشده بود، علاقه‌مندان می‌توانستند از آن بهره‌گیرند. چندی نگذشت که کتاب در دانشگاه «سالرنوی»^۲ ایتالیا، منبع درسی در علم تشریح و کالبدشناسی شد.

کتاب *کامل الصناعه الطبيه*، دو بار، به زبان لاتین ترجمه شد؛ نخستین بار، در قرن یازدهم میلادی، در صومعه‌ی مونت کاسینو^۳، در ایتالیا و توسط کنستانتین^۴ آفریقایی ترجمه شد؛ اما مترجم، تألیف کتاب را به خودش نسبت داد (۱۸). این امر بیانگر آن است که سرقت علمی، در قرون میانی نیز، وجود داشته است و تنها به زمان کنونی اختصاص ندارد! ترجمه‌ی دوم که در سرزمین شام صورت گرفته، دارای اهمیت بیشتر است؛ زیرا این ترجمه از اثرپذیری صلیبیان از تمدن اسلامی

بخشی اعظم از آثار اطبای مسلمان، ابتدا، از طریق اندلس و سپس، به واسطه‌ی مدارس علمی در سیسیل، وارد حوزه‌ی اروپا شد. آشکار است که نفوذ طب اسلامی در اروپا، از طریق این دو کانون علمی و سپس، در اثنای جنگ‌های صلیبی، صورت گرفت و در طب اروپایی، آثاری شگرف به جا گذاشت؛ آثاری که در اشکال مختلف، از جمله دانش پزشکی، مهندسی و اخلاق پزشکی، نمایان شد؛ این در حالی بود که طب عمومی، در اروپای قرون وسطی، با قدرت و جهان‌بینی کلیسا عجین شده بود و گاه، بیماری را مجازات الهی می‌دانستند و اسقف‌ها پزشکان را به خاطر درمان بیماران، سرزنش می‌کردند؛ از جمله، اسقف شهر «تور»، در قرن ششم میلادی، درمانگری اطبا را تنها، سبب بیشترشدن درد بیماران برمی‌شمرد. با وجود این باورهای غلط، تعدادی مراکز درمانی در اروپا وجود داشت که در مداوای بیماران فعال بودند.

در هنگامه‌ی یورش صلیبیان به سرزمین‌های مقدس، ضرورت درمان بیماری و نیز، تدارکات بهداشتی برای زائرانی که از سراسر جهان مسیحیت برای زیارت اماکن مقدس مسیحی به فلسطین می‌آمدند، احساس شد. مسیحیان، از ابتدایی‌بودن فنون و ابزار پزشکی رنج می‌بردند؛ درحالی‌که طب اسلامی، پیشرفته‌تر بود و پزشکان مسلمان، از لحاظ شیوه‌ی تجربی و نظری، در امر طبابت، زبانزد بودند؛ از این رو، صلیبی‌ها تلاش خود را به کار بستند تا از دستاوردهای پزشکی اسلامی استفاده کنند و طب اسلامی را سرمشق خود قرار دهند (۲۸). درباره‌ی اثرپذیری صلیبیان از پزشکی اسلامی، اختلاف‌نظر وجود دارد؛ لیکن، نمی‌توان از تفاوت اوضاع بهداشتی در بین صلیبی‌ها و مسلمانان سخن نگفت.

صلیبیان، در منطقه‌ی شامات، بیمارستان تأسیس کرده بودند؛ اما با وجود غلبه‌ی شرایط جنگی، تلاش داشتند با علوم

1. Hally Abbas
2. Salerno
3. Mont Casino
4. Constatantine the African

نیست؛ زیرا در سال ۱۲۴م، یعنی ۴۵ سال پیش از خروج نهایی صلیبیان از شام، کتاب *سر الأسرار فی طب العیون*، در انطاکیه، به لاتین ترجمه شد؛ از این رو، در منابع تاریخی، علاوه بر استفان انطاکیه‌ای، نام مترجمانی دیگر هم ذکر شده است؛ مانند برنارد سیلوستر^۳، دیگر مترجمی که در خدمت حکمرانان صلیبی شامات، به فعالیت علمی مشغول بوده (۲۸) یا فیلیپ طرابلسی که آثار طبی مسلمانان را به لاتین ترجمه می‌کرده است (۳۲).

در واقع، صلیبیان که با مقایسه‌ی ضعف علمی خود با وضعیت توسعه‌یافته‌ی جهان اسلام، به تکاپو افتاده بودند، امکانات بهداشتی و دانش پیشرفته‌ی پزشکی مسلمانان را الگوی مناسب برای درمان مجروحان جنگی و بیماران خود قرار دادند؛ پس، در شهرهایی که تصرف می‌کردند، بیمارستان‌هایی به سبک دارالشفاهای اسلامی بنا کردند. سیاح عرب، ابن جبیر، زمانی که از شهرهای تحت سلطه‌ی صلیبیان، مانند «صور» و «عکا»، عبور می‌کرد، بیمارستان‌هایی را در کنار کلیساها مشاهده کرد که به سبک مریم‌خانه‌های مسلمانان اداره می‌شد. او در سفر به سیسیل هم، بیمارستان‌هایی با طراز اسلامی مشاهده کرد (۳۳)؛ امری که از الگوپذیری اروپاییان از مسلمانان در حوزه‌ی بهداشت عمومی و در فرایند انتقال از طریق جنگ‌های صلیبی حکایت دارد.

در پی آشناسدن صلیبی‌ها با آثار اطباء مسلمان، کالبدشناسی انسان، جای کالبدشکافی خوک را گرفت و پزشکان توانستند مستقیماً، جوارح و بافت‌های انسانی را ملاحظه‌ی دقیق کنند؛ زیرا کلیسا اجازه‌ی کالبدشکافی اجساد را به پزشکان غربی نمی‌داد. پزشکان اروپایی، با بهره‌مندی از تجارب پزشکی مسلمانان، دریافتند که ادرار را باید آزمایش

حکایت دارد. استفان انطاکیه‌ای^۱، در سال ۱۱۲۷م، کتاب *مجوسی* را تحت حمایت پادشاه صلیبی انطاکیه ترجمه کرد (۲)؛ ترجمه‌ای که نسبت به برگردان کنستانتین، به متن اصلی نزدیک‌تر بود (۳۱).

ترجمه‌ی استفان از کتاب *کامل الصناعه الطیبه*، به نام هنر کامل تجربی استفانوس^۲ شناخته می‌شود (۳). نسخه‌های خطی ترجمه‌ی کتاب به زبان لاتین، از وجود دو بخش در کتاب حکایت دارند: نخست، بخش *تئوری* که «Theorica» نامیده می‌شود و زیرمجموعه‌های متعدد دارد و دوم، بخش عملی که «Practica» نام دارد. نسخه‌های مربوط به این بخش، کاربردی بیشتر داشتند؛ چراکه نویسنده در این بخش، به ابزار مورد نیاز طبابت و شیوه‌های درمان، مطابق با شرایط هر بیمار، اشاره می‌کند. با توجه به نیاز مبرم صلیبی‌ها به درمان مجروحان جنگی، طبیعی بود که نسخه‌های مربوط به بخش عملی، رواجی بیشتر داشته باشند. در پایان ترجمه‌ی استفان، پاره‌ای از اصطلاحات مندرج در متن کتاب نیز، توضیح داده شده است؛ در نتیجه، خوانندگانی که در درک زبان لاتین مشکل داشتند، می‌توانستند از ملحقات مترجم کمک بگیرند. از آنجا که در سالرنو و سیسیل، دانشجویان رشته‌ی پزشکی با زبان عربی آشنا بودند (۲۸)، استفان انطاکی، نیاز به لغت‌نامه‌ای تخصصی که اصطلاحات پزشکی را در زبان‌های لاتینی و یونانی و عربی شرح دهد، درک کرده بود. جای خوشبختی است که استفان، بر خلاف کنستانتین آفریقایی، از اهوازی، به‌عنوان نویسنده‌ی اصلی کتاب، یاد کرده است.

برخی پژوهشگران، باور دارند که کتاب *کامل الصناعه الطیبه*، تنها اثری است که در ایام حضور صلیبی‌ها در آسیای جنوب غربی، به لاتین ترجمه شده است؛ اما این نظر صحیح

5. Steffen of Antioch

1. Practica Pantegni et Stephonis

3. Bernard Silvester

عدم تحقیق کافی یا از روی تعصب و تردید است؛ درحالی که گروه دوم، نقش جنگ‌ها را در انتقال تمدن اسلامی، راهبردی، ارزیابی کرده‌اند. در میان طرف‌داران نظریه‌ی اول، افراد زیر را می‌توان نام برد:

۱. رنه سدیو^۲، نویسنده‌ی فرانسوی، بر آن است که صلیبیان، جز جذام، سوغاتی از آسیا با خود نیاوردند. وی با این سخن، نه‌تنها صلیبی‌ها را باعث انتقال تمدن به اروپا نمی‌داند، بلکه آنان را به‌عنوان عاملان انتقال بدبختی معرفی می‌کند (۳۶).

۲. هانس مایر^۳، مؤلف جنگ‌های صلیبی، این‌گونه بیان می‌کند که در قلمروی صلیبی، هیچ‌گونه جریان مبادله‌ی فرهنگی به وجود نیامد. او نقش جنگ‌های صلیبی را در انتقال فرهنگ اسلامی، در کل، منکر شده و تمایل نداشتن صلیبیان را در آموختن تمدن اسلامی، مؤید مدعای خود برشمرده است (۳۶).

۳. استیون رانسیمان^۴، نویسنده‌ی کتاب جنگ‌های صلیبی، با لحنی جانب‌دارانه، نوشته است: «از علوم عقلی، صلیبیان، چیزی تحفه نیاوردند...عالم غرب، مکرر، ثابت کرد که از جنگ‌های صلیبی، هیچ، نیاموخت» (۳).

۴. آندره میکل^۵، مؤلف کتاب اسلام و تمدن اسلامی، هرگونه انتقال تمدنی از طریق جنگ‌های صلیبی را انکار کرده و مدعی است: «به‌صراحت، می‌توان گفت که هیچ‌کدام از این دو جهان شرق و غرب، نتوانسته است از طریق برخورد و تماس با جهان دیگر، تغییرات عمده‌ای در نهادها و فرهنگ خویش به وجود آورد. جنگ‌های صلیبی، از نقطه‌نظر فرانک‌ها، جنبه‌ی صرفاً مذهبی آن می‌توانست، درست مثل

نبض را شمارش و تب را درجه‌بندی کنند (۹). چنین رویکردی در دانش طب، مدیون مشاهده‌ی اقدامات درمانی اطبای شرقی و به‌ویژه ترجمه‌ی آثار کوشندگانی مانند زکریای رازی، ابن‌رین طبری، ابن‌سینا، مجوسی اهوازی، زهراوی قرطبی و... بود. لازم به ذکر است که زهراوی، نخستین کسی بود که پیوند شرایین را برای جلوگیری از خون‌ریزی ابداع کرد و کتاب التصریف او، در قرن دوازدهم میلادی، در اروپا، ترجمه شد و در اختیار فراگیران علم جراحی قرار گرفت (۳۴)؛ همچنین، رساله‌ی حنین‌بن‌اسحاق، درباره‌ی چشم‌پزشکی، با نام العشر مقالات فی العین، در همین دوران، به لاتین، ترجمه و به‌عنوان مرجعی درسی، مورد استفاده‌ی دانشوران غربی قرار گرفت.

از پیامدهای جنگ‌های صلیبی، زوال قدرت تامه‌ی پاپ‌ها بود که راه را برای اصلاح دینی و تحول علمی باز کرد؛ در نتیجه، افق فکری اروپاییان، پس از جنگ‌های صلیبی، به دلیل تأسیس دانشگاه‌های متعدد، گسترش یافت. دانشگاه‌های «بولونیا»^۱ در ایتالیا و دانشگاه پاریس و متعاقب آن، کانون‌های علمی دیگر، در سایر کشورهای اروپایی، نتیجه‌ی تحول علمی پس از جنگ‌های صلیبی بودند (۳۵). هیچ‌چیز بهتر از نخستین کالج‌های اروپا، نمی‌تواند نشانگر انقلاب علمی در قاره‌ی سبز، پس از جنگ صلیبی باشد. بدین دلیل، شماری از صاحب‌نظران و خاورشناسان، بر نقش جنگ‌های صلیبی، در فرایند انتقال علوم، صحنه گذاشته‌اند.

البته، باید یادآور شویم که دیدگاه محققان درباره‌ی تأثیر جنگ‌های صلیبی در انتقال تمدن اسلام به غرب، یکسان نیست؛ بلکه، با بررسی آراء آن‌ها، دو دیدگاه مخالف و موافق را می‌توان مشاهده کرد: گروه اول که نگرش آن‌ها برگرفته از

2. Rene Sedillot
3. Hans Mayer
4. Steve Runciman
5. Andre Michel

1. Bologna

سهمی بسزا داشته است: «لشکرکشی اروپاییان، اگرچه فتح و ظفیری برای آنان به وجود نیاورد، ولی آنان با دیدن شهرهای بزرگ و آباد و پرجمعیت طول راه و به‌ویژه در مشرق‌زمین، متوجه عقب‌افتادگی خود از قافله‌ی تمدن بشری گردیدند و... دست به تجارت با شرق و تمدن اسلامی زدند و تجارت، موجب پیشرفت زندگی مردم شد» (۳۹).

۴. نویسنده‌ی کتاب تأثیر اسلام در اروپا، مونتگمری وات^۳، درباره‌ی اهمیت جنگ‌های صلیبی برای اروپا می‌نویسد: «از نظر فرهنگی، جنگجویان صلیبی در شرق، برخی از جنبه‌های زندگی اسلامی را تجربه کردند و سعی کردند هنگامی که به اروپا برگشتند، از آن تبعیت نمایند» (۷).

۵. نویسندگان روسی کتاب زمینه‌ی تکامل اجتماعی، مدعی‌اند: «جنگجویان صلیبی، بسیاری از دستاوردهای فرهنگی و فنی را که برای اروپای غربی ناشناخته بود، به اروپا بردند» (۴۰).

۶. گروه مؤلفان تاریخ جهان، تأکید دارند که در میان این کارزارها، جنگجویان صلیبی، با انواع تولیدات و طبابت شرق، آشنا شدند و موجب انتقال آن‌ها به اروپا گردیدند (۴۱).

مجموع این دیدگاه‌ها و اقوال، نشان می‌دهد که جنگ‌های صلیبی، نقشی مؤثر در انتقال فرهنگ و تمدن اسلامی به غرب داشته است. گرچه، غالباً، نویسندگان، به جای «تمدن اسلام»، لفظ «تمدن شرق» را به کار برده‌اند، این تغییر لفظ، خللی چندان در اصل ماجرا ایجاد نمی‌کند؛ زیرا صلیبیان وارد قلمرو اسلام شدند و از این سرزمین‌ها، هر آنچه فراگرفتند، به غرب بردند. رهاورد علمی و فرهنگی جنگجویان صلیبی، جوهره‌ی اسلامی داشت و ماحصل کوشش دانشوران مسلمان بود و حتی از خصلت عربی نیز، چندان برخوردار نبود و نباید تمدن

تصرف مجدد اسپانیا و سیسیل توسط مسیحیان، پایان یک انتقام‌جویی دامنه‌داری باشد که پایه‌های آن در اولین مراحل بسط و گسترش سلطه‌ی اسلام ریخته شد؛ اما نمونه‌ی سیسیل و اسپانیا، نشان می‌دهد که اصولاً، امکان بهره‌گیری و قبول برخی از جنبه‌های تمدن اسلامی، به‌وسیله‌ی اشغالگران جدید، منتفی نبود و در هر صورت، آنچه باید قبول کنیم، این است که فرانک‌های شرق، همیشه، به‌صورت بیگانگی که تقریباً، از اقلیم خویش بریده و سر در آداب و رسوم خود فرو برده بودند، در این سرزمین زندگی می‌کردند» (۳۷).

اما در مقابل، تعدادی زیاد از محققان، ضمن تأکید بر نقش جنگ‌های صلیبی، آن را هم‌ردیف کارکرد مترجمان اندلسی و سیسیلی، در انتقال معارف علمی جهان اسلام به غرب، دانسته‌اند:

۱. فیلیپ حیتی^۱، نویسنده‌ی تاریخ عرب، بر این باور است که جنگ‌های صلیبی، نقشی زیاد در انتقال علوم، طب، ادبیات، فنون جنگی، صنعت، کشاورزی و تجارت داشته است (۲).

۲. گوستاو لوبون^۲، مؤلف تاریخ تمدن اسلام و عرب، نوشته است: «شرق، از حیث تمدن، تأثیرات خیلی زیادی به‌وسیله‌ی جنگ صلیبی به اروپا بخشید؛ ولی این تأثیر، به‌قدری که در تجارت و هنر بود، در علوم و ادبیات، آن‌قدر نبوده است» (۳۸). این نویسنده، در عین حال که تأثیر تجارت و هنر را بیشتر می‌داند، بر تأثیرات علوم و ادبیات نیز، صحنه می‌گذارد؛ حقیقتی که رانسیمان و مایر، به‌شدت، منکر آن بودند.

۳. سه تن از استادان دانشگاه‌های آمریکا، در کتاب تاریخ تمدن و زندگی مردم جهان، برآن‌اند که جنگ‌های صلیبی، در انتقال فرهنگ و تمدن اسلامی به اروپا و پیشرفت غرب،

1. Philip Hitti
2. Gustav LeBon

3. Montgomery Watt

در کل، دستاوردهای این انتقال تمدنی در حوزه‌ی پزشکی را می‌توان بدین‌گونه برشمرد:

۱. آشنایی غربیان با دستاوردها و نظرات نوآورانه و تکمیلی طبای مسلمان؛

۲. دستیابی به طب یونانی و شرقی، به‌واسطه‌ی ترجمه‌ی مسلمانان از این آثار؛

۳. ایجاد تحرک در تفکر و اندیشه‌ی اروپاییان و توجه آنان به دانش نوین طب و توسعه‌ی بهداشت؛

۴. رشد مراکز دانشگاهی، بر اثر تدریس آثار طبای ایرانی اسلامی در دانشگاه‌های مطرح اروپا.

عرب، معیار ارائه‌ی علوم اسلامی به مغرب‌زمین قرار گیرد؛ از این‌رو، نادیده‌انگاشتن نقش تمدن اسلامی، امری غیرمنصفانه خواهد بود (۱۲).

نتیجه‌گیری

کارزار مسیحیان پرشور و مهاجم به قلمروی اسلام یا همان جنگ‌های صلیبی، صرفاً، در حد تقابلی نظامی باقی نماند؛ بلکه به تعامل و رویارویی تمدنی و فرهنگی، مبدل و کنشگری اروپاییان را در حوزه‌ی شناخت جهان و توسعه‌ی زندگی مادی سبب شد. طی جنگ‌های صلیبی، تغییر رویکرد از شیوه‌ی واگرایی نظامی به هم‌گرایی علمی، موجد خودآگاهی غربیان شد و به آن‌ها فهماند که برای خروج از دایره‌ی تنگ اندیشه و منش قرون وسطایی، باید یافته‌های علمی و معرفتی دیگر ملل را ترجمه و اقتباس کنند؛ در نتیجه، مترجمان و جویندگان دانش کهن، با بهره‌مندی از فرصتی که حضور اروپاییان صلیبی در مناطق مسلمان‌نشین فراهم آورده بود، آثار دانشمندان مسلمان، یهودی، یونانی و هندی را ترجمه کردند و به دست طالبان علم در اروپا رساندند. در جنگ‌های صلیبی، آنچه فکر مردم اروپا را روشن کرد، وضعیت مترقیانه‌ی جامعه‌ی اسلامی بود. مسیحیان، در اثنای جنگ و صلح با مسلمانان، توانستند آثار علمی آنان را در حوزه‌های مختلف، گردآوری و با ترجمه به زبان علمی اروپا، یعنی لاتین، بومی‌سازی کنند و از این رهگذر، پای به عصر رنسانس بگذارند.

منابع

1. Dolandlen C. World History. Vol. 2. Translated by Ahmad Behmanesh. Tehran: University of Tehran; 2009. p.426. [in Persian]
2. Hitti P. Arabic History. Translated by Abolghasem Payande. Tehran: Agah; 2002. p.36, 205, 806. [in Persian]
3. Runciman S. History of the Crusades. Translated by Mahshad Tabatabaee. Tehran: Bongahe Tarjome & Nashre Ketab; 1982. Vol. 1. p.49; Vol. 3. p.556-78. [in Persian]
4. Nachkina M. A Brief History of the World. Translated by Mohammad Taghi Faramarzi. Tehran: Donya; 1982. P.163. [in Persian]
5. Ibrahim Hassan H. Political History of Islam. Vol. 4. Translated by Abolghasem Payande. Tehran: Javidan; 1984. p.244. [in Persian]
6. Rahimzadeh Safavi A. Crusades. Vol. 1. Tehran: Central Asia Office; 1956. p.16. [in Persian]
7. Watt M. The Impact of Islam on Medieval Europe. Translated by Hossein Abdul Mohammadi. Qom: Educational Institute and Research by Imam Khomeini; 2000. p.101-2. [in Persian]
8. Palmer R. History of the New World. Vol. 1. Translated by Abolghasem Taheri. Tehran: Amirkabir; 1971. p.76. [in Persian]
9. Lucas H. The History of the Trian Roosevelt Priest Was Blocked by It. Translated by Abodl Hossein Azarank. Tehran: Keyhan; 1988. Vol.1. p.316-17; Vol.1. p.535. [in Persian]
10. Gibbon E. The Decline and Fall of the Roman Empire. Vol. 2. Translated by Farangis Shadman. Tehran: Translation and Publishing Company Book; 1973. p 82. [in Persian]
11. Yunt L. Medical History, from the World History Collection. Translated by Reza Yasai. Tehran: Ghoghnoos; 2007. p.29-32. [in Persian]
12. Honke Z. Islamic Culture in Europe. Translated by Morteza Rohbani. Tehran: Daftare Nashre Farhange Islami; 1995. p. 35-8, 308-9. [in Persian]
13. Defa A. Prominent Physicians in Islamic Civilization. Translated by Ali Ahmad Behnam. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies; 2004. p. 20. [in Persian]
14. Lindbergh D. The Beginnings of Science in the West. Translated by Fereydoun Badraei. Tehran: Scientific and Cultural; 1998. p. 433. [in Persian]
15. Al-Fakhouri J. History of Philosophy in the Islamic World. Translated by Abdul Hamid Ayati. Tehran: Zaman Publishing; 1979. p. 332. [in Persian]
16. Najmabadi M. History of Medicine in Iran. Vol. 1. Tehran: University of Tehran; 1993. p. 120. [in Persian]
17. O'Leary D. Transfer of Greek Sciences to the Islamic world. Translated by Ahmad Aram. Tehran: University of Tehran; 1995. p. 241-74. [in Persian]
18. Sezgin M. Arab Historiography (Medicine-Pharmacy and Zoology). Vol. 3. Translation of Nashre Fehrestgan Institute. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance; 2002. p.297, 322, 326, .374, 453. [in Persian]
19. Ibn Abi Asiba'ah. Ayoun Al-Anba in the Classes of Doctors. Vol. 2. Description and Research of Nizar Reza. Beirut: Dar Al-Maktab Al-Hayat; 1995. p. 342. [in Arabic]
20. Ibn Nadim. Alfehrest. Translated by Mohammad Reza Tajaddad. Tehran: Asatir; 2003. P. 527, 536. [in Persian]
21. Chandpuri S. History of Medicine during the Mongol Rule of India. Translated by Seyedeh Jalilah Shahidi. Tehran: Tehran University of Medical Sciences, 2011. p. 3. [in Persian]
22. Maki M. Islamic Civilization in the Abbasid Era. Translated by Mohammad Sepehri. Tehran: Samat; 2005. p. 313. [in Persian]
23. Halabi A. History of Islamic Civilization: Several Sudies on Islamic Culture and Civilization. Tehran: Asatir; 1986. p. 46. [in Persian]
24. Fray a. History of Iran: From the Collapse of the Sassanid State to the Arrival of the Seljuks.

- Vol. 4. Translated by Hassan Anousheh. Tehran: Amirkabir; 2007. p. 362. [in Persian]
25. Durant W. History of Civilization. Translated by Abolghasem Payende. Tehran: Islamic Revolution Education; 1988. p. 316. [in Persian]
26. Sarton G. Introduction to the History of Science. Translated by Gholam Hossein Sadri Afshar. Tehran: Hodhod; 1975. p. 3, 121. [in Persian]
27. Velayati A. The Dynamics of Islamic and Iranian Culture and Civilization from Birth to Prosperity. Tehran: Vezerate Kharejah; 1976. p. 11. [in Persian]
28. Avaz M. Extension of Islamic Civilization in the Middle Ages. Translated by Abdullah Naseri Taheri & Somayeh Sadat Tabatabaee. Tehran: Etelaat; 2015. p.327, 335, 347. [in Persian]
29. Momtahn H. Generalities of General History. Vol. 2. Tehran: Shahid Beheshti University; 1992. p.666. [in Persian]
30. Brown E. History of Islamic Medicine. Translated by Massoud Rajab Nia. Tehran: Elmi & Farhangi; 1986. p. 88. [in Persian]
31. Lee A. Islamic Sciences and Its Role in the Scientific Evolution of the world. Translated by Mohammad Shoja Razavi & Assadollah Alavi. Mashhad: Astan Quds Razavi; 1993. p.491. [in Persian]
32. Arosi M. The Crusades in the East and the West. Tunisia: Darolmaktab Alshargheh; 1954. p.117. [in Arabic]
33. Ibn Jabir M. [Rehle: Safranameh Ibn Jabir]. Translated by Parviz Atabeki. Mashhad: Astan Quds Razavi; 1992. p. 306. [in Persian]
34. Naseri Taheri A. The Ailments and Effects of Jinping Hai Crusader. Tehran: Daftare Nashre Farhange Islami; 1995. p. 125. [in Persian]
35. Kaseminskiy Y. Medieval History. Translated by Sadegh Ansari & Muhammad Bagher Momeni. Terhran: Andisheh; 1975. p. 117. [in Persian]
36. Mayer HE. Crusade Wars. Translated by AbodalHosein Shahkar. Shiraz: Shiraz University; 1993. p. 332-3. [in Persian]
37. Michel A. Islam and the Civilization of Islam. Vol. 1. Translated by Hassan Foroughi. Tehran: Samt; 2004. p. 292. [in Persian]
38. Lebon G. Civilization of Islam and Arabs. Translated by Hashem Hussein. Tehran: Islami; 1980. p. 428. [in Persian]
39. Tad L. The History of Civilization and People 's Lives. Translated by Hashem Razi. Tehran: Sokhan; 2005. p. 274. [in Persian]
40. Metropolsky R. A Time of Social Integration. Translated by Naser Zarafshan & Ali Afshari. Tehran: Agah; 2005. p. 280. [in Persian]
41. Von Law T. History of World, Evolution of Thought. Translated by Abodol Rahman Sadriyah. Tehran: Ferdowsi; 1999. pp. 220-21. [in Persian]

Review Article

The Role of the Crusade Wars in Transition of Islamic-Persian Medicine to Europe

Mahmoud Akbari*¹, Mohammadnabi Salim²

1. Lecturer, Department of Islamic Educations, Mazandaran University of Medical Sciences, Sari, Iran.

2. Asistanant Professor, Department of History, Humanities Sciences College, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran.

Received: 30 November 2020

Accepted: 6 June 2021

Published: 1 November 2021

***Corresponding Author**

Mahmoud Akbari

Address: No 3, Nasim 56, Imam St, Mahmoudabad, Iran.

Postal Code : 4631818643

Tel: (+98) 9192018667

Email: akbari_mahmood22@yahoo.com

Citation to this article:

Akbari M, Salim M. The Role of the Crusade Wars in Transition of Islamic-Persian Medicine to Europe. *Medical Ethics and History of Medicine*. 2021; 14: 216-228

Abstract

One of the most important and influential events in the interaction between Islamic civilization and the West was the Crusades, which lasted for nearly two centuries and extended from Europe to the Levant and Egypt. The main reasons for these wars, apparently, were the religious zeal of the Christians to seize Jerusalem from the Muslims and, in fact, the territorial expansion and influx of the surplus population of Europe to the east. The present study aims to explore the role of the Crusades in the transfer of medicine to Europe. The present research uses a descriptive-analytical method and library resources to explain the process of transferring Islamic and Eastern medical science to the world, affected by religious wars. Referring to texts, honesty and trustworthiness, citation of used texts, avoidance of bias in inference from texts or analyzes have been observed. The results of the research show that during the Crusades, Europeans, observing the scientific progress of Muslims, decided to translate the works of Islamic physicians and transfer them to Europe. This led to the advancement of medical knowledge and the development of health in Europe's Renaissance. Thus, the most important consequence of the Crusades was facilitation of the transfer of the cultural and civilizational foundations of the Islamic world, including the reserves of Islamic and Persian medicine to Europe.

Keywords: Europe, Islamic civilization, Crusade wars, Islamic-Persian medicine.

